



رساله‌ی دکتری: علی بیرانوند، ۱۳۹۷

تأثیر کیمیای سعادت غزالی بر مثنوی مولوی با تکیه بر نظریه‌های تعلیمی، تربیتی و اخلاقی و بررسی این نظریه‌ها از دیدگاه نظریه پردازان معاصر

غزالی و مولوی، دو شخصیت برجسته (صاحب دو اثر گران‌بهای کیمیای سعادت و مثنوی) هر دو در زمینه تصوف رشد یافته و بالیده‌اند. با توجه به این ویژگی مشترک، شاید بتوان گفت در تصوف هم مذهب و هم مسلک بوده‌اند. آن‌ها هر دو درصدد رسیدن به حقیقت و کمال روحانی بودند، که آن را در هیچ مکتب و خانقاهی پیدا نکردند و هر دو تلاش می‌کردند تا به آن حقیقت برسند. این هدف مشترک در وادی امر باعث پیدایش برخی همسانی‌ها در مسلک عرفانی آن‌ها شد به طوری که اگر به عمق و غور عقایدشان در این زمینه غوص کنیم شاهد اشتراکات فکری- عقیدتی فراوانی خواهیم بود، بنابراین می‌توان مولانا را در بسیاری از موضوعات متأثر از غزالی دانست و بهره‌مندی و تأثیرپذیری مشترک هر دو متفکر از منبع غنی تصوف موجب بروز برخی حوادث و وقایع تاریخی مشابه در زندگی آن‌ها شده است. هرچند که هدف این پژوهش بررسی این اشتراکات نیست و در آن صرفاً به تأثیرپذیری مثنوی از کیمیای سعادت، آن‌هم در باب مسائل تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود، اما اشاره به برخی از وجوه اشتراکات فکری و اعتقادی آن دو، ضروری به نظر می‌آید. در این راستا باید به بهره‌مندی هر دو متفکر از منبع عرفان و تصوف توجه ویژه نمود، چرا که عمده‌ترین دیدگاه‌های تربیتی غزالی و مولانا مبتنی بر آموزه‌های صوفیانه و عرفانی است. آنچه از نتیجه‌ی پژوهش حاضر حاصل گردیده است نشان می‌دهد که مولانا علاوه بر جنبه‌ی تعلیم و تربیت در بسیاری از موارد از جمله: توکل، جایگاه انسان، جایگاه عقل، عشق، ولایت، تمثیل و علم‌آموزی، تحت تأثیر گفتار غزالی بوده است.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، غزالی، مولوی، کیمیای سعادت، مثنوی.

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۱۰۱۹۰۲۰۲۷

تاریخ دفاع: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

رشته‌ی تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: حمید رضا شایگان فر

استادان مشاور: دکتر علی عشقی سردهی و دکتر یحیی قائدی